

# چند پاسخ...

رجمتکنان و بائس مفهوم اتحاد کارگران و دهقان

اسن الیه سرخوردی کلست ولی حاکی از خط کلی سرخورد  
باین مقاله است. باین معنی که بروولتاریادرمورد  
در دست کرفتن قدرت الزاماً ملایم بینامی کاملاً  
سویالیستی را به اجرا نمکناره بلکه اقدامات دمو-  
کراسیک و سویالیستی را سواماً و با توجه به تحلیل  
متخصص از جایده عملی مسازد.  
در مورد بررسی جمیع دهقانی، باید گفت که سازمان  
ما هنوز دارای امکاناتی که بتواند اسکار را در سطح  
وسع و در حواله مختلف آن انعام بدهد. نیست، امید  
واریم این نفعیه سر زمامی برطرف شود.

ردیقا کا و دن ...

بعد از اشاره به مقاله‌ی گستردن مبارزات کارگر-  
ان ... در شماره‌ی ۶۶ نوشته‌ای:

جوایزده استوار دارد و تئی سازمانی مبارزه‌ی  
ایدئولوژیک را حول مسائل متخصص جنیس صریح  
سینداد. در عمل سر زما حدوی ایکارا  
امام داده شد. ولی نکاهی به مقالات رهایی  
کاملاً عکس استراشان مسدهد.  
و سین به بحثیه‌ای راه‌کارکر و سکار و رزمیکان  
دریباره‌ی شعار افزایش تولید و سر اعلای اقلایی. هیا-  
حاکمه و حاچیهای مختلف آن، اشاره کرده‌اید و نه  
استقاد از اینکه رهایی به تنها تاکنون همکوئه  
عنک‌العملی در مقابل این مبارزات ایدئولوژیک نشان  
نماید. از اینتلار مقالاتی مثل فدائیان اسلام،  
نقد لایحه‌ی فناص، عظمت و سقوط نیم خلخالی، تخفیه  
لایحه‌ی ساکاری و غیره تحت عنوان افسوسه سوشه‌هایی  
که سی رابطه با مسائل مبارزاتی جنیس هستند انتقاد  
کرده‌اید.

فکر میکیم، این ابرازات شما تا حدود زیادی  
حاکی از سی‌لطفی است! اولاً که ما بطور مستمر امیر  
سازمان ایدئولوژیک را در دستور کار نهاده‌ایم،  
محاب رهایی از همان این‌جا شاهد نقدی‌های ما بر حرب  
سوهه‌ی سازمان اسلامی (حرب رنجران کیوی) راه کارکر، فداشان، سکار، رزمیکان و غیره  
هستند. در مورد حنگی‌تر نظر سازمانهای مختلف را  
سررسی کردیم. این‌جا درست است که ما تاکنون  
نهی طور متخصص دریباره‌ی مثلاً شعار افزایش تولید  
نکرده‌ایم. ولی بحثها و نقدی‌های ما به سازمانهای  
مذکور همواره به این تغیر و سیاست آنها که منجر به  
طرح شعار افزایش تولید و امثال آن مبنی‌های برداخته‌اند  
ما در جندهای شماره‌ی سی‌دتفکر سکار و بیان اینکه  
کیفر موقنی خود را با اعلای اقلایی جنیس‌کیان  
فلمنداد میکنند به نقد کشیده‌ایم و اکنون نیز نگرش آن  
در مورد شوری انتقام را، یعنی سون قفرات اندیشه‌ی  
سکار، آغاز کرده‌ایم.  
نایماً، بحثها و مقالات طرح شده در مورد هیات  
حاکمه و حاچیهای مختلف آن در شرایط دیگر نیز عدمتا  
در سیان موضع باقی مانده‌اند و ما هنوز بحث نشوری  
قابل توجه جدیدی در اینباره مشاهده نکرده‌ایم.  
بقیه در صفحه ۱۶

رفسق سی امضا!

(۱) این استکه این آخرین ناریت که سیاست که سیاست  
برخی از سوالات شما در مورد حرب جمهوری و عصره در  
صفحات چند بسیج قیلی سرخورد شده است.  
۱۲ در ارسطاط سیاست سرمایه‌داری لیسان در سیاست  
۵ رهایی سؤال کرده‌اید:

"با توجه به واسطه بودن اروپای شرقی سیاست  
اجتماعی، سطر رفتار اهمای سرمایه‌داری دولتی  
بودن شوروی نیست؟"

الزاماً خیر. وقتی ما میکوشیم در شوروی و اروپای  
شرقی باید نکات انتقام اجتماعی صورت گیرد. این الزاماً  
بدین معنی نیست که در این جوامع سرمایه‌داری حاکم  
است. ما معتقدیم، و اینرا در گذشته سر زمان  
داشتیم، که شوروی و برآنها جوامع از نوع آن، جوامع  
سویالیستی نیستند و برآنها سویی مناسب طبقایی  
استشاری حاکمیت. اینکه این مناسبات سرمایه‌داری سیاست  
با خبر، اینکه اکثر این مناسبات سرمایه‌داری سیاست  
پس‌جیست و این جوامع جکوئه جوامعی جنده امری اینست  
که باید نسبت نمود. ولی همیکه این را می‌داریم این  
جوامع طبقایی - استماری هستند. باین مناسبات که  
انتقامات در این جوامع باید دگرگویی مناسبات سیاستی و  
اقتصادی و اجتماعی را هدف خود نهار دهد و به فقط  
تغییر مناسبات سیاستی را. و این معنی انتقامات اجتماعی.

رفسق حصد!

**بولندا:** "لطفاً دید خود را از نقش دهقانان در انتقام  
و رابطه بروولتاریا و دهقانان را توضیح دهد.  
آیا بروولتاریا دارای آنچنان فدراتی است  
که تنها به اسکای شوروی خود، در هر جامعه  
احسن عقب مانده است و در هر شرایطی قادر به  
انجام هر نوع کاری است ..."

پکار در صفحه‌ی چند بسیج، در شماره‌ی ۵۸ به مقاله  
دهقانان و سرخورد به آن اشاره کرده‌ایم. در آنها  
موشتم:

در جوامعی که بروولتاریا اکتیر را شکل  
شیده‌دوقش‌های وسیعی از رجمتکنان وجود دارد،  
برولتاریا در اتحادیا این اشتاری‌بدرفت می‌رسد و  
من اینکه دولت خود بمعنی دولت دیکتاتوری  
برولتاریا را تکلیل می‌دهد خواسته‌ای رحمتکی  
دیگر را که سرمکنست دقتاً منطبق بر سرمایه‌ی  
سازمان تبیین شده‌ی بروولتاریا ساخته، منطبق  
می‌کند. سیوان مثال در این رابطه می‌شون  
انتقام اکسیر ۱۹۱۷ را ذکر کرده که در آن بلشویک  
های بمندرت رسیده سرمایه‌ی ارضی را سر زیرای  
دهقانان که خواسته‌ان مالکیت زمین بودند همچو  
در آورده، سیار این مثال، دولت شوروی دولت  
دیکتاتوری بروولتاریا بود، ولی حکومت، حکومت

ا اسلام این سه دین بیان و سنت احمد که نسبت داشتند و  
محبوبان بودند برخواست همان دین را احسان آن شوری  
گردید. این سر از جوی امداد که ما گزارا به آن در خواست  
نمایم.

در سده هشتم میلادی مطلع انسان اسلام و ناسیون مسماوات  
گروه اندکتر نیز معرفتیم که مصلحت در اینها نهاده شد  
و ا که نکند اینها را و سار شرمناس که میتوانند  
متوجه این حوزه باشند در واردیه جلوه داشتند تا این  
مسماوات را این حسنی میتوانند با صفع خودش اینست. آنها میتوانند  
میتوانند رفته باشند که نه جسمی حب روسان یزد حکمه سارند از  
آنچه ساید در مصالح سعادتمندان و طرفداران را زده اند  
آنکه اینها محدودیتی را نداشند و خوبی این ایکتیوان  
را نه میتوانند نشانند.

آنها را نه افسای لایحه ای نهانو که نه بکاره  
نه بارگردانند حاصله بدهند ۱۵۰۰ سال قتل را دارد نهی  
بینید؟ میدانند که در کوههای از مدتی قتل ایکتیوان  
دست را نظر میکنند رسانیده ایکتیوان را نگیرند، نهند  
دارند اینها میتوانند بینهایم میتوانند واعمال و میتوانند  
دیگر را میتوانند میتوانند کشوری کنند آنها در حقیقت ایکتیوان  
اعمالی که رسانند و علم ارتقیمت در جهی عقد نمایند که ایکتیوان  
عاجز است. ساید ایکتیوان را نگیرد!

رفته ایکتیوان رسانید ساید ایکتیوان را نگیرد  
فیکری، کسری، میتوانند فرهاد (بوگا) را ایکتیوان  
دانشجویی. سایدهای ایکتیوان را دریافت نمایند.